

ارتباط دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی در دانشجویان غیربومی: نقش تعدیل‌کننده سن و جنسیت

آزاده فرقدانی^۱

چکیده

جوامع مهاجرپذیر برای ساکنان آنجا چالش‌های فرهنگی بسیاری به همراه دارند. این شرایط برای افرادی مانند دانشجویان غیربومی دشوارتر است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی و همچنین بررسی نقش تعدیل‌کننده سن و جنسیت در دانشجویان غیربومی، انجام شده است. بدین منظور از دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه ۱۴۸ دانشجوی غیربومی با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه هوش فرهنگی، پرسش‌نامه قدرت ایگو، و مقیاس دیدگاه‌گیری اجتماعی بودند. پس از اجرای پرسش‌نامه‌ها تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندمتغیری سلسله‌مراتبی انجام شد. نتایج نشان داد دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی رابطه مثبت داشتند. جنسیت نقش تعدیل‌کننده‌ای در روابط متغیرهای پیش‌بین و هوش فرهنگی نداشتند. رابطه بین دیدگاه‌گیری اجتماعی و هوش فرهنگی با افزایش سن آزمودنی‌ها (بالای ۳۰ سال) کاهش و رابطه بین قدرت ایگو و هوش فرهنگی با افزایش سن دانشجویان افزایش یافت. توجه به عامل‌های تأثیرگذار بر هوش فرهنگی می‌تواند شایستگی و سازگاری فرهنگی را برای جامعه دانشجویان به ارمغان آورد.

واژه‌های کلیدی: دیدگاه‌گیری اجتماعی، قدرت ایگو، هوش فرهنگی.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه (edalataz@gmail.com) (نویسنده مسئول)

The Relationship of Social Perspective-Taking and Ego Strength to Cultural Intelligence in Non-Native College Students: The Modifying Role of Age and Gender

Azadeh Faraghdani, PhD¹

Abstract

Immigrant-receiving cities and communities can pose numerous cultural challenges for their citizens. This condition is more difficult for non-native students. Accordingly, the present study aimed to investigate the relationship of social perspective-taking and ego strength to cultural intelligence, considering the modifying role of age and gender of the non-native students. A sample of 148 non-native students was selected from the Humanities Faculty of the Islamic Azad University of Saveh using availability sampling. The research tools included Earley and Ang's Cultural Intelligence Scale, Barron's Ego Strength Scale, and the Social Perspective-Taking Scale. After collecting the questionnaires, the data was analyzed using hierarchical multivariate regression. The results showed that the relationships of social perspective-taking and ego strength to cultural intelligence were positive. Furthermore, gender had no modifying role in the relationships between the predictors and cultural intelligence. As for age, an increase in the age of the participants had a negative effect on the relationship between social perspective-taking and cultural intelligence, whereas the relationship between ego strength and cultural intelligence increased with an increase in the student age. Paying close attention to the factors affecting cultural intelligence can promote competence and cultural adaptation of student communities.

Keywords: social perspective-taking; ego strength; cultural intelligence.

مقدمه

در جوامع دارای تنوع فرهنگی زیاد ارتباطات خوب به چالش بزرگ‌تری تبدیل شده است. دانشگاه نیز از جمله سازمان‌هایی است که دارای تنوع فرهنگی زیادی است و دانشجویان غیربومی به خصوص در شهرها و مناطقی که این تنوع به علت مهاجرپذیری بیشتر است، با ارزش‌ها، مفروضات، و انتظارات جدیدی مواجه می‌شوند که گاهی با واقعیت‌های محیط

1. Assistant Professor of Psychology, Islamic Azad University, Saveh Branch, Iran. (edalataz@gmail.com)

خودشان تفاوت دارد (امیدیان و علیپور، ۱۳۹۶). شناخت، ارزش گذاشتن و حمایت از تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند بهره‌وری فرد را در موقعیت تحصیلی‌اش افزایش دهد. مفهوم هوش فرهنگی^۱ را که نخستین بار ارلی و انگ^۲ (۲۰۰۳) مطرح کرده‌اند، درک و فهم تعاملات بین فرهنگی را بهبود می‌بخشد (طولابی و همکاران، ۱۳۹۴). دانشجویان غیربومی نیز با برخورداری از هوش فرهنگی، استرس کمتری را در ارتباط با دوری از خانه و فرسودگی ناشی از فشار تحصیلی، تجربه می‌کنند و علاوه بر عملکرد تحصیلی بهتر، استرس فرهنگ‌پذیری نیز در آن‌ها کمتر است (اعظامی و کیهان، ۱۳۹۷). الگوی هوش فرهنگی در پژوهش حاضر متشکل از بُعد فراشناختی (توانایی ذهنی برای تفکر درباره فرایندهای تفکر به منظور سازگاری با الگوهای ذهنی در طول تجارب بین فرهنگی)، دانش (آگاهی فرد از ارزش‌ها و هنجارها در فرهنگ‌های مختلف)، انگیزش (تمایل برای شروع، حفظ و تداوم یادگیری رفتارها در بافت فرهنگی ناآشنا) و رفتار (توانایی به کارگیری فعالیت‌های کلامی و غیر کلامی مناسب در تعامل با فرهنگ متفاوت) می‌شود. با توجه به این ابعاد، هوش فرهنگی، مؤثر بودن افراد را در موقعیت‌های فرهنگی توصیف می‌کند که فراتر از هوش هیجانی و هوش اجتماعی است (غفاری و خانی، ۱۳۹۲؛ اسکاکووا^۳، ۲۰۱۸؛ محمودی، مصطفی‌لو، عبدلی سلطان‌احمدی، و پورناصح، ۱۳۹۶).

در بسیاری از پژوهش‌های داخلی، بر پیامدهای اجتماعی هوش فرهنگی در حیطه تعاملات اجتماعی (طولابی و همکاران، ۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی (موسوی چلک و همکاران، ۱۳۹۴؛ قاسمی و غلامی، ۱۳۹۶)، خودکارآمدی اجتماعی (سلیم بهرامی و همکاران، ۱۳۹۳؛ طولابی و کریمی، ۱۳۹۱) و مهارت‌های اجتماعی (امیدیان و علیپور، ۱۳۹۶) تمرکز شده است. این در حالی است که در تحقیقات جدیدتر در این حوزه (مانند: فلنری و اسمیت^۴، ۲۰۱۶؛ فهیم دویین^۵، ۲۰۱۷؛ فلنر و کوردوبا^۶، ۲۰۱۷؛ لیو، هووگو^۷، ۲۰۱۸؛ تو و مرتان^۸، ۲۰۱۸؛ وانگ^۹ و همکاران، ۲۰۱۸) بر عوامل زمینه‌ساز شناختی - اجتماعی و

1. Cultural intelligence
2. Eearly & Ang
3. Iskhakova
4. Flannary & Smith
5. Fahim Devin
6. Gfellner & Cordoba
7. Liu
8. Tchoh & Mertan
9. Wang

روانی هوش فرهنگی تأکید بیشتری صورت گرفته است. در این راستا در حیطه شناختی- اجتماعی می‌توان به مفهوم دیدگاه‌گیری اجتماعی^۱ اشاره کرد. این مفهوم که برگرفته از دیدگاه‌های شناختی-اجتماعی ون با ون و لونشتاین^۲ (۲۰۰۳) در تبیین روابط بین فردی است به ابعاد پیش‌بینی شناختی دیگران، ادراک دیدگاه دیگران، خود را جای فرد دیگر گذاشتن و احترام به تفاوت‌ها اشاره دارد (محقق و همکاران، ۱۳۹۵). دیدگاه‌گیری اجتماعی نقطه مقابل دیدگاه‌گیری خودمحورانه است (گالاتی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸) و با کاهش سوگیری شناختی و انتظارات غیرمنطقی از دیگران، به حل موفقیت‌آمیز تعارض‌های بین فردی کمک می‌کند (رامیرز- فرناندز^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). به واسطه دیدگاه‌گیری اجتماعی، آگاهی فرد از موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، پیچیده و مبهم افزایش می‌یابد و این موقعیت‌ها گنج‌کننده و چالش‌انگیز نخواهند بود (ایساکاوا، ۲۰۱۸). در این فرایند افراد باید به سرعت جریان اطلاعات را مدیریت و هم‌زمان، اطلاعات زمینه‌ای (نشانه‌های کلامی و غیر کلامی) زبانی و اجتماعی را در روابط بین فردی، ردیابی کنند (نیلسن و باکسو^۵، ۲۰۱۷). بنابراین، می‌توان رابطه این سازه را با هوش فرهنگی متصور شد. افرادی مانند دانشجویان غیربومی که در برخی از جوامع ناهمگون فرهنگی مشغول به تحصیل هستند، گاهی محیطی را تجربه می‌کنند که در آن روابط بین فردی پویایی کمتری دارد. در نتیجه، آن‌ها نیز خودافشایی کمتری دارند، در نشان دادن صمیمیت، محتاط‌تر هستند و در روابط بین فردی، تنبیه‌کننده‌تر، رقابتی‌تر و بی‌اعتمادتر برخورد می‌کنند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین، باید به تفاوت دیدگاه‌گیری اجتماعی با همدلی اشاره کرد. این سازه در موقعیت‌های بین فرهنگی، می‌تواند از همدلی، کاربردی‌تر باشد (لانگ‌مایر و هریسون^۶، ۲۰۱۸)، نفوذپذیری مرزها را بیشتر افزایش دهد و به افراد در کاهش دیدگاه‌های قالبی‌شان در روابط بین فردی دارای تنوع فرهنگی، بیشتر کمک کند. بنابراین، جنبه شناختی دیدگاه‌گیری اجتماعی، قوی‌تر از همدلی است (وانگ و همکاران، ۲۰۱۸). در حیطه پژوهش‌های مرتبط می‌توان به رابطه دیدگاه‌گیری اجتماعی با سازگاری بین فردی (پیله^۷ و همکاران، ۲۰۱۶)، کاهش پیش‌داوری و تعصب (پرئرسیت و

1. Social perspective taking
2. Van-Boven & Loewenstein
3. Galati
4. Ramirez-Fernandez
5. Nilsen & Bacso
6. Longmire & Harrison
7. Pile

بونایاسیریوات^۱، ۲۰۱۸) و افزایش همدلی (پله و همکاران، ۲۰۱۶) و افزایش مذاکره بین فردی (فلنری و اسمیت، ۲۰۱۶) اشاره کرد.

بین تمایل به دیدگاه گیری اجتماعی و توانایی دیدگاه گیری اجتماعی تفاوت وجود دارد. ممکن است فردی به راحتی ظرفیت گرفتن دیدگاه های دیگران را داشته باشد؛ ولی به این معنا نیست که لزوماً تلاشی برای درک دیدگاه های دیگران داشته باشد (فلنری و اسمیت، ۲۰۱۶). اینجا همان نقطه ای است که می توان به حیطه های روانی مانند قدرت ایگو^۲ برای ارتقای هوش فرهنگی در دانشجویان اشاره کرد.

قدرت ایگو، به سودمندی ایگو در تنظیم انگیزه ها، تکانه ها و سازگاری با محیط اشاره دارد. بر اساس دیدگاه های روان کاوانه، در یک ذهن سالم و با یک عملکرد مناسب، در بین نهاد، خود (ایگو) و فراخود، هماهنگی وجود دارد و قدرت ایگو در حفظ این تعادل هیجانی در مسیر دستیابی به پیشرفت نقش مهمی دارد (بشارت^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). افراد دارای قدرت ایگوی قوی، تعارض های بین فردی را راحت تر می پذیرند، به فردیت دیگران احترام می گذارند و کمتر در برابر تفاوت های دیگران با خودشان، حالت تهاجمی دارند (زیادنی^۴ و همکاران، ۲۰۱۷) از طرفی، احساس خودبستگی در حیطه شخصی و اجتماعی در روبهرو شدن با عوامل استرس زای محیطی (بادان فیروز و همکاران، ۱۳۹۶) و تحمل استرس بدون تجربه اضطراب فلج کننده (بشرپور و عینی، ۱۳۹۶) از پیامدهای قدرت ایگوست. افراد دارای ایگوی ضعیف نمی توانند تأثیر گذاری مفیدی بر روی محیط خود - که از ملزومات هوش فرهنگی است - داشته باشند (پرویز و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین، در یک جمع بندی می توان گفت که قدرت ایگو به افراد کمک می کند تا علاوه بر خود، با دیگران نیز در صلح و آرامش باشند و در ایفای نقش های اجتماعی خود در بافت های فرهنگی متفاوت، موفق تر عمل کنند (بشارت و همکاران، ۲۰۱۸). در حیطه پژوهش های مرتبط می توان به رابطه مثبت قدرت ایگو با نگرانی همدلانه (فلنر و کوردوبا، ۲۰۱۷)، تمایز یافتگی بین فردی (زیادنی و همکاران، ۲۰۱۷)، جهت گیری مثبت در روابط بین فردی (دوان و بین هوه^۵، ۲۰۱۶) و همچنین نقش میانجی قدرت ایگو در کاهش اثر استرس ادراک شده بر سازگاری اجتماعی (فلنر و کوردوبا، ۲۰۱۷) اشاره کرد.

1. Pornprasit & Boonyasiriwat
2. Ego Strength
3. Besharat
4. Ziadni
5. Duan & Yin Ho

در بین متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیرگذار بر هوش فرهنگی نیز، بر سن و جنسیت، تأکید بیشتری شده است و البته نتایج پژوهشی متناقضی نیز در این زمینه وجود دارد. در برخی از پژوهش‌ها به بالاتر بودن هوش فرهنگی در دختران در مقایسه با پسران (درویش و همکاران، ۱۳۹۲؛ عسگری و روشنی، ۱۳۹۱) و در برخی به بالاتر بودن هوش فرهنگی در دانشجویان پسر در مقایسه با دختران، اشاره شده است (فیاضی و همکاران، ۱۳۹۲؛ موسوی چلک و همکاران، ۱۳۹۴). در خصوص سن نیز، به رابطه مثبت سن با هوش فرهنگی (آهنچیان و همکاران، ۱۳۹۱) و یا عدم رابطه معنادار سن با هوش فرهنگی اشاره شده است (درویش و همکاران، ۱۳۹۲). در ارتباط با متغیر دیدگاه‌گیری اجتماعی نیز تحقیقات حاکی از رابطه مثبت سن با دیدگاه‌گیری اجتماعی و بالاتر بودن دیدگاه‌گیری اجتماعی در دختران در مقایسه با پسران (فلنری و اسمیت، ۲۰۱۶) است. برخی نیز به رابطه منفی سن و دیدگاه‌گیری اجتماعی دست یافته‌اند (واکر^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). پژوهش‌های مرتبط با قدرت ایگو نیز حاکی از عدم رابطه معنادار سن و جنسیت با این متغیر است (پرویز و همکاران، ۱۳۹۵).

نگاهی به پژوهش‌های مرتبط با سن و جنسیت، نشان می‌دهد مقایسه صرف متغیرهای پژوهش از نظر سن و جنس که گاهی نتایج متناقضی را هم در بر دارد، اطلاعات روان‌شناختی و کاربردی مهمی را منتقل نمی‌کند و به ابهام دانش در زمینه هوش فرهنگی و هم‌بسته‌های آن نیز می‌افزاید. بنابراین، به نظر می‌رسد که باید روش‌شناسی مناسب‌تری را برای مطالعه نقش سن و جنسیت انتخاب کرد. با توجه به اهمیت شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر هوش فرهنگی که در جوامع دارای تنوع فرهنگی زیاد و مهاجرپذیر به‌عنوان یک شایستگی مطرح می‌شود، پژوهشگر به دنبال بررسی روابط پیش‌بین دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی در دانشجویان غیربومی و بررسی نقش تعدیل‌کننده سن و جنسیت است.

روش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع تحقیقات هم‌بستگی است. از بین دانشجویان غیربومی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه که تعداد آن‌ها ۳۰۰ نفر است، ۱۴۸ دانشجوی غیربومی با استناد به جدول مورگان (حسن‌زاده، ۱۳۹۴) و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. دانشجویان در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد، و

1. Wacker

دکتری در رشته‌های روان‌شناسی، ادبیات، حسابداری، حقوق، و مدیریت مشغول به تحصیل بودند. ۸۱ دختر و ۶۷ پسر در پژوهش شرکت کردند. ۶۳ نفر بین ۲۰-۳۰ سال (۴۰ نفر در دامنه سنی ۲۰-۲۵ و ۲۳ نفر در دامنه سنی ۲۵-۳۰) و ۸۵ نفر بین ۳۰-۴۵ سال (۵۰ نفر بالای ۳۵ سال و ۳۵ نفر در دامنه سنی ۳۰-۳۵ سال) قرار داشتند. بیشتر آزمودنی‌ها از دانشجویان مقطع کارشناسی و رشته روان‌شناسی بودند. پس از بررسی فهرست دانشجویان غیربومی در هر رشته و مقطع تحصیلی، با مراجعه به کلاس‌های درس، پرسش‌نامه‌ها در اختیارشان قرار گرفت. به آزمودنی‌ها در خصوص محرمانه ماندن پاسخ‌هایشان اطمینان داده شد و اینکه با توجه به تمایل آن‌ها نتیجه پژوهش در قالب مقاله یا گزارش پژوهش در اختیار دانشجویان قرار خواهد گرفت. پس از گردآوری داده‌ها، تحلیل با استفاده از رگرسیون چندمتغیری سلسله‌مراتبی صورت گرفت.

ابزارها

۱. پرسش‌نامه هوش فرهنگی: این پرسش‌نامه ۲۰ گویه‌ای را ارلی و انگ (۲۰۰۴)، به نقل از تقوایی یزدی، (۱۳۹۴) با هدف ارزیابی هوش فرهنگی و در ابعاد شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری طراحی کرده‌اند. پاسخ‌گویی به آن بر اساس مقیاس لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم (۱-۷) است. با جمع مؤلفه‌های ذکر شده، نمره کل هوش فرهنگی محاسبه می‌شود. در مطالعه ارلی و انگ (۲۰۰۴) پایایی مؤلفه‌های شناختی، فراشناختی، انگیزشی، و رفتاری به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۷۰، ۰/۷۶، و ۰/۸۳ برآورد شد. پاپ زن و همکاران (۱۳۹۳) پایایی ابعاد یادشده را بین ۰/۷۹ و ۰/۸۶ محاسبه کردند. قاسمی و غلامی (۱۳۹۶) پس از بررسی مجدد روایی صوری و محتوایی این پرسش‌نامه، با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، الگوی چهار عاملی ارلی و انگ (۲۰۰۳) را تأیید کردند. همچنین پایایی کل، ۰/۷۶ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۹ برآورد شده است.

۲. مقیاس دیدگاه‌گیری اجتماعی: این مقیاس بر اساس مقیاس دیدگاه‌گیری شناختی (مبتنی بر واکنش‌پذیری بین فردی و شناخت اجتماعی) دیویس^۱ (۱۹۹۶) و بهره همدلی بارون کوهن و ویل رایت^۲ (۲۰۰۴) در قالب ۱۵ پرسش و در ابعاد پیش‌بینی شناختی

1. Davis

2. Baron-Choen & Wheel Wright

دیگران، ادراک دیدگاه دیگران، خود را به جای فرد دیگر گذاشتن و احترام به تفاوت‌ها، در جامعه دانشجویان در ایران طراحی و اعتباریابی شده است. پاسخ‌گویی به آن بر اساس مقیاس لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم (۱ تا ۵) است. محققان و همکاران (۱۳۹۵) هم‌بستگی مقیاس را با مقیاس شادی آکسفورد برابر با ۰/۵۲ و هم‌بستگی‌اش با مقیاس اضطراب بک را برابر با ۰/۲۲- گزارش کردند. پایایی درونی مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر پایایی کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۲ به دست آمد.

۳. پرسش‌نامه قدرت ایگو: این مقیاس را بارون^۱ (۱۹۹۵، به نقل از هارمن^۲، ۲۰۰۵) برای ارزیابی سازگاری کلی روانی فرد، تدوین کرده است و از فرم بازنگری‌شده در MMPI-2 اقتباس شده است. پرسش‌نامه ۵۲ سؤال دارد و به صورت بلی-خیر (۰-۱) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس در ابتدا در جمعیت‌های بالینی به کار گرفته می‌شد. بارون (۱۹۹۵، به نقل از هارمن، ۲۰۰۵) ضریب بازآزمایی آن را در دانشجویان عادی برابر با ۰/۸۰ و ۰/۸۲ گزارش کرد. همچنین مقادیر پایایی درونی آن برای دانشجویان مرد و زن، برابر با ۰/۶۰ و ۰/۶۵ محاسبه شد. کوچکی راوندی و همکاران (۱۳۹۴) پایایی درونی آن را برابر با ۰/۷۵ و بادان فیروز و همکاران (۱۳۹۶) پایایی آن را در جمعیت دانشجویی برابر با ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند. کشانی فراهانی (۱۳۹۰) ساختار تک‌عاملی پرسش‌نامه را تأیید کرد. در پژوهش مذکور هم‌بستگی مقیاس با نیرومندی منش (پترسون و سلیگمن^۳، ۲۰۰۴، به نقل از بادان فیروز و همکاران، ۱۳۹۶) ۰/۶۷ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی درونی مقیاس با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته‌ها

ماتریس هم‌بستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است. چنانکه مشاهده می‌شود، هم‌بستگی هوش فرهنگی با قدرت ایگو و با دیدگاه‌گیری اجتماعی مثبت به دست آمد. هوش فرهنگی با همه ابعاد متغیر دیدگاه‌گیری اجتماعی رابطه مثبت داشت. اگرچه هم‌بستگی معناداری بین متغیرهای پیش‌بین وجود دارد؛ اما آنقدر بزرگ نیست که احتمال وجود هم‌خطی بودن بین متغیرها وجود داشته باشد.

1. Barron
2. Hormen
3. Peterson & Selligman

جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. هوش فرهنگی	۱					
۲. پیش‌بینی شناختی دیگران	۰/۲۴**	۱				
۳. ادراک دیدگاه دیگران	۰/۴۳**	۰/۳۵**	۱			
۴. خود را جای دیگران گذاشتن	۰/۳۲**	۰/۴۰**	۰/۵۳**	۱		
۵. احترام به تفاوت‌ها	۰/۳۷**	۰/۳۷**	۰/۵۸**	۰/۴۹**	۱	
۶. دیدگاه‌گیری اجتماعی (کل)	۰/۴۲**	۰/۸۱**	۰/۷۵**	۰/۷۱**	۰/۷۵**	۱
۷. قدرت ایگو	۰/۴۶**	۰/۳۲**	۰/۵۶**	۰/۳۶**	۰/۶۰**	۰/۵۷**

$p < .01$ **

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد دیدگاه‌گیری اجتماعی، قدرت ایگو، و هوش فرهنگی را نشان می‌دهد. همچنین، میزان نسبتاً پایین چولگی (۰/۰۰۲) و کشیدگی (۰/۶۵-) حاکی از نرمال بودن شکل توزیع است. قبل از تحلیل داده‌های پژوهش، مفروضه‌ها بررسی شدند و استقلال خطاها با استفاده از آماره دورین-واتسون برابر با ۱/۹۸ محاسبه شد که مستقل بودن مشاهدات را نشان می‌دهد. همچنین، نرمال بودن عبارت خطا، حکایت از آن داشت که مانده‌ای بالاتر از ۳/۳ در داده‌ها وجود نداشت. جهت بررسی مفروضه هم‌خطی بودن چندگانه نیز، با نقطه برش ۰/۲ و شاخص عامل تورم واریانس با نقطه برش ۴ به بالا، نشان داد که در هیچ‌یک از متغیرهای پیش‌بین، نگرانی برای وجود هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. همچنین، محاسبات مربوط به آماره F نیز نشان داد که مجذور هم‌بستگی چندگانه در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($p = 0.01$; $F = 341$ و $df = 5$ و $F = 22/5$).

جدول ۲ ویژگی‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
هوش فرهنگی	۹۱/۱۷	۲۱/۳
دیدگاه‌گیری اجتماعی	۵۵/۱۴	۱۰/۲
قدرت ایگو	۲۳۵/۳۶	۳۹/۶

جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار هم‌بستگی چندگانه بین دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی معنادار است و تقریباً ۲۵/۴ درصد از تغییرها در نمره هوش فرهنگی دانشجویان از ترکیب خطی دو متغیر پیش‌بین معادله، قابل تبیین است. ضرایب بتا

حاکی از آن است که سهم متغیر قدرت ایگو در پیش‌بینی هوش فرهنگی، $0/33$ و سهم دیدگاه‌گیری اجتماعی، $0/23$ است.

جدول ۳ خلاصه‌آزمون رگرسیون بررسی رابطه دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی

متغیرها	R	R ²	Adjusted R ₂	B	SE	β	t	ا
دیدگاه‌گیری اجتماعی	0/50	0/25	0/24	0/48	0/18	0/23	2/7	0/01
قدرت ایگو	-	-	-	0/17	0/05	0/33	3/8	0/01

در جداول ۴ و ۵ خلاصه‌آزمون رگرسیون سلسله‌مراتبی و ضرایب متغیرهای اصلی و اثر متقابل متغیرهای پژوهش و جنسیت و سن در پیش‌بینی هوش فرهنگی، آورده شده‌اند. برای متغیر سن، دامنه سنی زیر ۳۰ سال و بالای ۳۰ سال بر اساس کدبندی وارد رگرسیون شده‌اند.

جدول ۴ خلاصه‌آزمون رگرسیون سلسله‌مراتبی جهت بررسی رابطه بین دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی برحسب نسبت و ضرایب متغیرهای اصلی و اثرهای متقابل

گام	متغیرهای پیش‌بین واردشده در مدل	ΔR^2	سطح معناداری	Beta	t	سطح معناداری
۱	جنسیت	0/035	0/02	0/18	2/3	0/02
	جنسیت	0/24	0/01	0/16	2/4	0/02
۲	دیدگاه‌گیری اجتماعی		0/01	0/22	2/6	0/01
	قدرت ایگو		0/01	0/32	3/8	0/01
۳	اثر متقابل جنسیت و دیدگاه‌گیری اجتماعی	0/01	0/04	0/10	0/85	0/4
	اثر متقابل جنسیت و قدرت ایگو		0/01	0/01	0/05	0/96

باتوجه به جدول ۴، جنسیت تنها $3/5$ درصد از واریانس هوش فرهنگی را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم با کنترل اثر متغیر جنسیت، متغیرهای مرکزی شده جمعاً $24/7$ درصد از واریانس هوش فرهنگی را تبیین می‌کنند. بررسی ضرایب رگرسیون نیز حاکی از نقش معنادار هر دو متغیر پیش‌بینی در مدل رگرسیون در این گام بود و بالاخره نتایج گام سوم نشان داد که با کنترل اثر اصلی جنسیت، دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو، اثر تعاملی متغیرها به اندازه‌ای که بتواند موجب افزایش معنادار R_p شود، معنادار نبود. بررسی ضرایب بتا نیز مؤید این نتیجه است. یعنی جنسیت نمی‌تواند تعدیلگر رابطه بین دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی دانشجویان باشد.

جدول ۵ خلاصه آزمون رگرسیون سلسله‌مراتبی جهت بررسی رابطه بین دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی برحسب سن و ضرایب متغیرهای اصلی و اثرهای متقابل

گام	متغیرهای پیش‌بین وارد شده در مدل	ΔR^2	سطح معناداری	Beta	t	سطح معناداری
۱	سن	۰/۰۱	۰/۱۴	-۰/۰۳	-۰/۳۷	۰/۷۱
۲	سن	۰/۲۵	۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۳۲	۰/۷۴
	دیدگاه‌گیری اجتماعی			۰/۲۳	۳/۳	۰/۰۱
	قدرت ایگو			۰/۳۳	۰/۴۶	۰/۶۵
۳	اثر متقابل سن و دیدگاه‌گیری اجتماعی	۰/۰۳	۰/۰۴	-۰/۳۴	-۲/۳	۰/۰۳
	اثر متقابل سن و قدرت ایگو			۰/۳۰	۲/۲	۰/۰۳

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو، پیش‌بین‌های قوی و معناداری برای هوش فرهنگی دانشجویان محسوب می‌شود. همچنین، اثر متقابل برای متغیرهای پیش‌بین حاکی از معناداری R_p بود. اگرچه بررسی ضرایب تک‌تک عبارت‌های اثر متقابل نیز نشان داد که اثر متقابل سن با دیدگاه‌گیری اجتماعی و سن با قدرت ایگو نقش معناداری در پیش‌بینی هوش فرهنگی دانشجویان دارند، ضرایب بتا در متغیر دیدگاه‌گیری اجتماعی منفی و در متغیر قدرت ایگو مثبت بود. این نتیجه بیانگر آن است که رابطه بین دیدگاه‌گیری اجتماعی و هوش فرهنگی با افزایش سن آزمودنی‌ها کاهش می‌یابد؛ در حالی که تأثیرپذیری هوش فرهنگی دانشجویان بالای ۳۰ سال، بیشتر از دانشجویان زیر ۳۰ سال، تحت تأثیر قدرت ایگوی آن‌هاست.

بحث و نتیجه‌گیری

برای آنکه فردی از لحاظ فرهنگی باهوش شناخته شود باید در موقعیت‌هایی مانند دانشگاه که برداشت‌ها و اشارات مختلفی وجود دارد، بتواند قضاوت درستی داشته باشد، درک صحیحی از آن موقعیت به‌دست آورد، و با دیگران تعامل اثربخشی داشته باشد. این کار برای دانشجویان غیربومی سخت‌تر است (طولابی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ زیرا آن‌ها در کنار تفاوت‌های فرهنگی با منابع استرس بیشتری (مانند دور بودن از خانواده، رفت‌وآمدهای مکرر، و هزینه‌های حمل و نقل یا اقامت در شهر محل تحصیل) روبه‌رو هستند. برای تقویت این نوع از هوش، شناخت عامل‌های زمینه‌ساز ضرورت دارد. در پژوهش حاضر بر

دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو به‌عنوان پیش‌بین‌های هوش فرهنگی و سن و جنسیت به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده، تمرکز شده است.

اولین یافته پژوهش حاکی از رابطه مثبت دیدگاه‌گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی در دانشجویان است. این یافته می‌تواند با پژوهش‌های پیله و همکاران (۲۰۱۶)، پرنپرسیت و بونایاسیریوات (۲۰۱۸)، و فلنری و اسمیت (۲۰۱۶) مبنی بر رابطه دیدگاه‌گیری اجتماعی با سازگاری بین فردی، کاهش پیش‌داوری و تعصب، افزایش همدلی و افزایش مذاکره بین فردی، همسو باشد. در تبیین این یافته می‌توان به ماهیت دیدگاه‌گیری اجتماعی که به توانایی تمایز حالت ذهنی خود از حالت ذهنی دیگران برای درک یا پیش‌بینی رفتار دیگران تمرکز دارد، اشاره کرد (پیله و همکاران، ۲۰۱۶). اگر نحوه تعبیر و تفسیر افراد از خودشان، فردگرایانه باشد آن‌ها نمی‌توانند دیگران را افرادی منحصر به فرد در نظر بگیرند. دیدگاه‌گیری اجتماعی به‌عنوان یک راهبرد اجتماعی به افراد اجازه می‌دهد تا تعاملات خود را در دنیایی با تنوع تعاملات، بهتر مدیریت کنند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۸) و علاوه بر درک کردن دیگران، رفتار کمک کردن به افراد سایر فرهنگ‌ها را تقویت می‌کند و تبعیض فرهنگی را کاهش می‌دهد. به‌خصوص آنکه در فرهنگ‌های جمع‌گراتر (مانند ایران) عزت نفس مثبتی بر روابط بین فردی و همانندسازی اجتماعی، نقش مهمی در سازگاری بین فرهنگی دارد (پرنپرسیت و بونایاسیریوات، ۲۰۱۸). از طرفی هسته اصلی هوش فرهنگی نیز، به توانمندی افراد در تعامل اجتماعی سازنده با افراد یا گروه‌های اجتماعی دارای فرهنگ متفاوت اشاره دارد. بنابراین به نظر می‌رسد صرف نظر از نقش مهم هوش فرهنگی در تعاملات اجتماعی، قبل از هر چیز باید به توانایی‌های شناختی-اجتماعی افراد مانند دیدگاه‌گیری اجتماعی به‌عنوان عامل زمینه‌ساز برای تقویت هوش فرهنگی توجه کرد.

در خصوص رابطه مثبت قدرت ایگو با هوش فرهنگی می‌توان به تحقیقات مرتبط مانند فلنر و کوردوبا (۲۰۱۷)، زیادنی و همکاران (۲۰۱۷) و دوان و بین هو (۲۰۱۶) اشاره کرد که در پژوهش‌های خود به رابطه مثبت قدرت ایگو با نگرانی همدلانه، جهت‌گیری مثبت در روابط بین فردی، نقش میانجی قدرت ایگو در کاهش اثر استرس ادراک‌شده بر سازگاری اجتماعی و رابطه مثبت قدرت ایگو با تمایز یافتگی بین فردی، پرداخته‌اند. براساس الگوی هوش فرهنگی عرضه‌شده در پژوهش حاضر، فرایندهای متمرکز بر «خود» نقش پررنگی در هوش فرهنگی دارند. بدون داشتن یک ایگوی قوی نمی‌توان قابلیت‌های

هوش فرهنگی را که شامل عملکرد راهبردی، مطلع، خودانگیخته، و انعطاف پذیر می شود، پرورش داد. در قدرت ایگو، فرد با خودارزیابی و بازخورد دادن به خود می تواند علاوه بر درک اشتراک ها و تفاوت های فرهنگی، در مقابل ناکامی احتمالی اولیه در برقراری ارتباط، سوء تفاهم ها و حتی خصومت، پایداری نشان دهد و با تغییر نقشه های ذهنی خود رفتارهای کلامی و غیر کلامی قابل انعطافی را نشان دهد (فهیم دوین، ۲۰۱۷). در چنین شرایطی، فرد در موقعیت های چند فرهنگی، از چالش استقبال می کند و به دنبال فرصت هایی برای یادگیری درباره جنبه های مختلف فرهنگ های دیگر است. مدیریت تعارض های فرهنگی، شکل دادن مهارت های بین فردی و حفظ پیوندهای اجتماعی نیز بهتر صورت می گیرد. به همین دلیل است که انعطاف پذیری شناختی بیشتر (لیو و همکاران، ۲۰۱۸) که نخستین گام برای داشتن انگیزه و تمایل در درک تفاوت های فرهنگی و حتی لذت بردن از آنهاست، با هوش فرهنگی رابطه مثبت دارد (برناردو و پرسبیترو، ۲۰۱۸).

یافته دیگر پژوهش این است که جنسیت در رابطه دیدگاه گیری اجتماعی و قدرت ایگو با هوش فرهنگی در دانشجویان، نقش تعدیل کننده ای ندارد. برای تبیین این یافته می توان به پژوهش واکر و همکاران (۲۰۱۷) اشاره کرد که در آن بر جامعه پذیری فراجنسیتی در جوامع دارای تنوع فرهنگی زیاد تمرکز کرده اند. در این شرایط، هم زنان و هم مردان، برای مدیریت استرس فرهنگ پذیری و در نتیجه برای جامعه پذیری بیشتر، از سوی خانواده و اجتماع، ترغیب می شوند (فلنری واسمیت، ۲۰۱۶). علاوه بر این، بر اساس پژوهش ها (واکر و همکاران، ۲۰۱۷) در گذشته زنان بهتر می توانستند خودشان را به جای دیگران بگذارند؛ در حال حاضر مردان نیز می توانند خودشان را نه تنها به جای هم جنسان خود، بلکه به جای زنان دیگر نیز بگذارند و سوگیری کمتری مشاهده می شود.

سومین یافته پژوهش حاکی از آن است که در دانشجویان بالای ۳۰ سال، قدرت ایگو بیشتر می تواند هوش فرهنگی را افزایش دهد. این یافته همسو با پژوهشی است (دوان و بین هو، ۲۰۱۶) که نشان می دهد قدرت ایگو در افراد در ابتدای دوران بزرگ سالی به سبب تجربه رویدادها و یا بحران های بیشتر در طول زندگی، می تواند با افزایش سن تقویت شود و در نتیجه، فرد رفتار پخته تر، بالغانه تر، ثبات هیجانی، و انسجام هویت بیشتری در روابط بین فردی خود تجربه کند. در خصوص دامنه سنی و هوش فرهنگی در بیشتر پژوهش ها ۳۰ سالگی نقطه برش مهمی برای آغاز بزرگ سالی در نظر گرفته شده است

(آهنچیان و همکاران، ۱۳۹۱؛ فلنری و اسمیت، ۲۰۱۶؛ دوان و بین هو، ۲۰۱۶؛ واکر و همکاران، ۲۰۱۷؛ تو و مرتان، ۲۰۱۸).

آخرین یافته پژوهش نیز به کاهش رابطه دیدگاه‌گیری اجتماعی و هوش فرهنگی با افزایش سن (بالای ۳۰ سال) اشاره دارد. این یافته‌ها می‌تواند همسو با پژوهشی باشد که در آن، داشتن سن کمتر با انگیزه بیشتری برای تجربه هیجان‌های مثبت در بافت‌های متنوع فرهنگی رابطه دارد (واکر و همکاران، ۲۰۱۷). در این شرایط، افراد به جای اجتناب از تجربه فرهنگی متفاوت، از آن استقبال می‌کنند و انرژی و زمان بیشتری را برای این کار، اختصاص می‌دهند (هاینتز^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در جمع‌بندی یافته‌های پژوهش می‌توان به نقش مثبت سازه‌های مبتنی بر «خود» مانند قدرت ایگو و سپس سازه‌های شناختی-اجتماعی مانند دیدگاه‌گیری اجتماعی در پیش‌بینی هوش فرهنگی اذعان کرد که در غالب پژوهش‌های داخلی نادیده گرفته شده است. درخصوص نقش جنسیت نیز می‌توان به پرهیز از سوگیری افراطی در این زمینه بر اساس دیدگاه جامعه‌پذیری فراجنسیتی در مطالعات فرهنگی اشاره کرد. در زمینه متغیر سن نیز به نظر می‌رسد در قدرت ایگو، سن بالاتر و در دیدگاه‌گیری اجتماعی، سن پایین‌تر می‌تواند هوش فرهنگی را بیشتر افزایش دهد. اینجا همان نقطه‌ای است که برای پرهیز از تقویت باورهای ثابت فرهنگی و در نتیجه، کاهش هوش فرهنگی در دانشجویان غیربومی، می‌توان به آموزش‌های رسمی و غیررسمی اقدام کرد و از این طریق می‌توان در هر سنی در زنان یا مردان، هوش فرهنگی را افزایش داد. دانشگاه به‌عنوان یک نقطه شروع برای تمرین شایستگی‌های فرهنگی، می‌تواند زمینه‌ساز خوبی در این حیطة باشد. به این ترتیب، می‌توان استرس‌ها و چالش‌های فرهنگی دانشجویان غیربومی را به جای تعارض فرهنگی به گفت‌وگو و تعامل فرهنگی که از ویژگی‌های یک جامعه مدرن است، تبدیل کرد.

نمونه پژوهش حاضر، دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه بودند. به‌علت تمرکز بر دانشجویان غیربومی و روند کاهش جمعیت در واحدهای دانشگاهی دانشگاه آزاد و از طرفی کفایت حجم نمونه، امکان انتخاب تصادفی دانشجویان وجود نداشت. در پژوهش‌های آتی می‌توان رشته تحصیلی، شغل، و مقطع تحصیلی را نیز مدنظر قرار داد. هوش فرهنگی در سطح ملی، عامل اساسی در جهت هم‌بستگی اجتماعی میان قومیت‌ها، مذاهب، و خرده فرهنگ‌هاست. تنها در صورت پرورش آن و توجه به

1. Heintz

عامل‌های تقویت‌کننده آن می‌تواند سرمایه اجتماعی برای یک جامعه، مطرح شود. پژوهش حاضر فرصتی را فراهم آورد تا توجه پژوهشگران را به متغیرهای شناختی-اجتماعی و روانی مرتبط با هوش فرهنگی جلب کند. در بیشتر پژوهش‌های داخلی، نقش پیش‌بین متغیرهای اجتماعی و روانی در ارتباط با هوش فرهنگی نادیده گرفته شده است. بدون شناخت این عامل‌ها نمی‌توان به درک درست و کاملی از ملزومات هوش فرهنگی دست یافت. اگر دانشجویی در وهله اول، از توانایی گرفتن دیدگاه‌های دیگران و یا یک ایگوی قوی بی‌بهره باشد، احتمالاً نمی‌توان از او انتظار داشت تا از نظر فرهنگی باهوش باشد. این یافته برای همه دانشجویان می‌تواند دستاورد مؤثری داشته باشد؛ اما توجه به آن در دانشجویان غیربومی که با چالش‌های بیشتری روبه‌رو هستند، ضرورت بیشتری دارد.

منابع

- آهنچیان، م.، امیری، ر. و بخشی، م. (۱۳۹۱). بررسی هم‌بستگی هوش فرهنگی با تعامل اجتماعی در پرستاران. *مدیریت ارتقای سلامت*، ۱(۲)، ۴۴-۵۳.
- اعظامی، م. و کیهان، ج. (۱۳۹۷). رابطه بین سبک‌های هویت و کمک‌طلبی تحصیلی در بین دانشجویان غیربومی دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه: آزمون نقش میانجی هوش فرهنگی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱(۱)، ۱۰۸-۱۲۸.
- امیدیان، ف. و علیپور، ن. (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۲۷، ۷۹-۱۰۰.
- بادان فیروز، ع.، رحیمیان بوگر، ا.، ناجی، ا. و شیخی، م. ر. (۱۳۹۶). تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان: نقش پیش‌بین قدرت ایگو و سازمان شخصیت. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۱(۸)، ۳۷-۴۵.
- بشروپور، س. و عینی، س. (۱۳۹۶). پیش‌بینی اختلالات شخصیت بر پایه مدل پنج عاملی جایگزین زاگرمین، کلمن و قدرت ایگو. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۱۹(۵)، ۸۴-۹۳.
- پاپ‌زن، ع.، علی‌آبادی، و.، صبی محمدی، س.، قربانی، ف. و دهی، پ. (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های هوش فرهنگی بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۲۹، ۱۰۸-۱۱۷.
- پرویز، ک.، آقا محمدیان شرباف، ح.، قنبری هاشم‌آبادی، ب. و دهقانی، م. (۱۳۹۵). رابطه توانمندی ایگو و فراشناخت در دانشجویان دختر و پسر. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۲)، ۱۱۸-۱۲۶.
- تقوایی یزدی، م. (۱۳۹۴). رابطه هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری. *مدیریت فرهنگی*، ۹(۳۰)، ۹۱-۱۱۰.
- حسن‌زاده، ر. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق)*. تهران: ساوالان.
- درویش، ج.، نوده فراهانی، م.، خلیلی، م. و شعبانی، ف. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و عملکرد شغلی پرستاران. *دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی*، ۱۲، ۴۰-۴۵.

- سلیم بهرامی، ح.، احمدی، ح.، ذبیحی حاجیکلائی، ف. و عزیزاده، م. (۱۳۹۳). بررسی میزان هوش فرهنگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شرق استان مازندران. *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۱۴، ۸۷-۱۰۲.
- طولایی، ز. و کریمی، ش. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه ایلام). *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲(۳)، ۴۴۶-۴۶۴.
- طولایی، ز.، خیرری، ع. و صمدی، س. (۱۳۹۴). رابطه بین هوش فرهنگی و تعاملات اجتماعی در دانشجویان. *مجله روان‌شناسی*، ۷۵، ۲۸۶-۲۹۶.
- عسگری، پ. و روشنی، خ. (۱۳۹۱). مقایسه هوش فرهنگی، هوش هیجانی، سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. *زن و فرهنگ*، ۱۲، ۴۹-۶۳.
- غفاری، م. و خانی، ل. (۱۳۹۲). ارتباط سرمایه اجتماعی و هوش فرهنگی با عملکرد تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳(۸)، ۶۴۲-۶۵۰.
- فیاضی، م.، ناظمی، ش. و فتاحی، م. (۱۳۹۲). سنجش هوش فرهنگی و بررسی عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳(۴)، ۶۰۴-۶۲۴.
- قاسمی، ا. و غلامی، س. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر هوش فرهنگی بر ارتقای سرمایه‌های اجتماعی در میان دانشجویان (مورد بررسی پردیس فارابی دانشگاه تهران). *تحقیقات مدیریت نوین خاتم*، ۱(۲)، ۴۵-۲۵.
- کشانی فراهانی، ز. (۱۳۹۰). *بررسی قدرت ایگو، سبک‌های دفاعی و روابط موضوعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه الزهرا.
- کوچکی راوندی، م.، منیرپور، ن. و ارج، ع. (۱۳۹۴). نقش سبک‌های دلبستگی، کیفیت روابط موضوعی و قدرت ایگو در پیش‌بینی سندروم روده تحریک‌پذیر. *فیض*، ۱۹(۳)، ۲۳۱-۲۴۱.
- محققی، ج.، ذوقی پایدار، م.، یعقوبی، ا.، یارمحمدی واصل، م. و محمدزاده، س. (۱۳۹۵). تدوین و اعتباریابی مقیاس دیدگاه‌گیری اجتماعی در دانشجویان. *شناخت اجتماعی*، ۵(۱)، ۱۸-۳۲.
- محمودی، ح.، مصطفی‌لو، ط.، عبدلی سلطان‌احمدی، ج.، و پورناصح، س. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش یک برنامه هوش فرهنگی بومی بر از خودبیگانگی تحصیلی در بین زبان‌آموزان انگلیسی. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۳۰.
- موسوی چلک، ا.، حسینی، ا. و پوربخشیان، ع. (۱۳۹۴). تأثیر هوش فرهنگی بر سرمایه اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور مرکز رامسر). *نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، ۱۰(۲)، ۷۳-۸۷.
- Bernardo, A.B.I. & Presbitero, A. (2018). Cognitive flexibility and cultural intelligence: Exploring the cognitive aspects of effective functioning in culturally diverse contexts. *International Journal of Intercultural Relations*, 66, 12-21.
- Baron-Choen, S. & Wheelwright, S. (2004). The empathy Quotient in normal and autism adults. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 34(2), 163-175.
- Besharat, M.A., Ramesh, S. & Moghimi, E. (2018). Spiritual health mediates the relationship between ego-strength and adjustment to heart disease. *Health Psychology Open*, 5(1), 1-8.
- Davis, M.H., Conklin, L., Smith, A. & Luce, C. (1996). Effect of perspective taking on the cognitive representation of persons: A merging of self and other. *Journal of Personality and Social psychology*, 70(4), 317-726
- Duan, W. & Yin Ho, S. M. (2016). Three-dimensional model of strengths: Examination of invariance across gender, age, education levels, and marriage status. *Community Mental*

- Health Journal*, 8(1), 1-8.
- Earley, P. C. & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interaction across cultures*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Fahim Devein, H. (2017). Investigating the relationship between big five personality traits and cultural intelligence of football coaches. *Human and Social Studies*, 5(2), 116-137.
- Flannary, K. M. & Smith, R. L. (2016). The effects of age, gender, and gender role: Ideology on adolescent's social perspective taking ability and tendency in friendships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 34(5), 617-635.
- Galati, A., Diavastou, A. & Avraamides, M. N. (2018). Signatures of cognitive difficulty in perspective-taking: Is the egocentric perspective always the easiest to adopt?. *Language, Cognition and Neuroscience*, 33(4), 467-493.
- Gfeller, B. M. & Cordoba, A. I. (2017). Identity problems ego strengths, perceived stress, and adjustment during contextual changes at university. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 17(1), 25-39.
- Harmon, M.H. (2005). The Barron ego strength scale: A study of personality correlates among normals. *Journal of Clinical Psychology*, 36(2), 433-436.
- Heintz, S., Kramm, C. & Ruch, W. (2019). A meta-analysis of gender differences in character strengths and age, nation, and measure as moderators. *The Journal of Positive Psychology*, 14(1), 103-112.
- Iskhankova, M. (2018). Does cross-culture competence matter when going global: Cultural intelligence and its impact on performance of international students in Australia. *Journal of Intercultural Communication Research*, 47(2), 121-140.
- Liu, H., Hu, Sh. & Gu, J. (2018). What role does self-efficacy play in developing cultural intelligence from social media usage?. *Electronic Commerce Research and Applications*, 28, 172-180.
- Longmire, N. H. & Harrison, D. A. (2018). Seeing their side versus their pain: Differential consequences of perspective-taking and empathy at work. *Journal of Applied Psychology*, 103(8), 894-915.
- Nilsen, E. S. & Bacos, S. A. (2017). Cognitive and behavioural predictors of adolescent's communicative perspective-taking and social relationships. *Journal of Adolescence*, 56, 52-63.
- Pile, V., Higher, S. P. W., Hiau, C. F. & Lau, J. Y. F. (2016). Young people with higher social anxiety are less likely to adopt the perspective of another: Data from the director task. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 55, 41-48.
- Pornprasit, N. & Boonayasirawat, W. (2018). The effects of perspective-taking on prejudice reduction among Thais: The moderating role of relational self-esteem. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 5(6), 1-5.
- Ramirez-Fernandez, J., Ramirez-marin, J. & Munduate, L. (2017). I expected more from you: The influence of close relationship and perspective taking on Negotiation offers. *Group Decision and Negotiation*, 27(1), 2-21.
- Tchoh, B. K. & Mertan, E. B. (2018). Understanding the relationship between self-construals, self-esteem, social support, and the sociocultural adaptation of African students in Northern Cyprus. *Journal of International Students*, 8(2), 725-820.

- Van-Boven, L. L. & Loewenstein, G. (2003). Projection of transient drive states. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 1159-1168.
- Wacker, R., Bolte, S. & Dziobek, I. (2017). Women know better think and feel: Gender effects on mindreading across the adult life span. *Frontiers in Psychology*, 8, 1-7.
- Wang, C.S., Lee, M., Ku, G. & Leung, A. K. (2018). The Cultural boundaries of perspective-taking: When and why perspective-taking reduces stereotyping. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 44(6), 1-16.
- Ziadni, M. S., Jasinski, M. J. Vief, G. L. & Lumley, M. A. (2017). Alexithymia, Defenses, and ego strength: Cross-sectional and longitudinal relationships with psychological well-being and depression. *Journal of Happiness Studies*, 18(6), 1799-1813.

Archive of SID